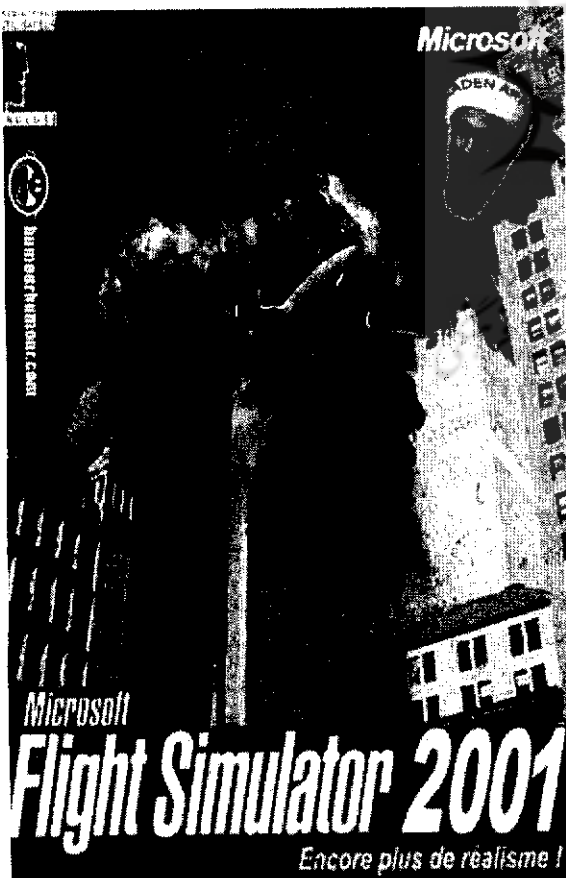




مهدی صفوی
محقق و روزنامه‌نگار

تروریسم کور، بلای جان بشریت

- تروریست‌ها در سال‌های اخیر از حربه مذهب برای پیشبرد اهداف خود بهره گرفته‌اند
- تروریسم را نمی‌توان با نصیحت و گفت و گو از بین برد



ولتر: شما چگونه می‌توانید با کسی که یقین دارد با بریدن گلویتان به بهشت می‌رود صحبت کنید؟

پدیده دهشتناک تروریسم طی سال‌های اخیر گسترش بی‌سابقه‌ای یافته و می‌رود که حیات جامعه بشری را با مخاطرات فراوانی روبرو سازد. در این میان نخبگان فکری جوامع مختلف اعم از روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه، اندیشمندان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... هر یک به نوبه خود می‌کوشند ریشه‌های این پدیده را به نوعی تحلیل و تبیین کنند.

نکته‌ای که در این جا باید به آن اشاره کرد این است که امروزه دیگر تروریسم مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و به مسأله‌ای جهانی و فراملی تبدیل شده است. گسترش فن‌آوری‌های پیشرفته در زمینه ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد، چالش‌های اقتصادی میان کشورهای شمال و جنوب، رشد برخی ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه... جلگی در شکل‌گیری این مسأله نقش موثری را برعهده داشته‌اند. پرسش اساسی که هم اکنون ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول داشته آن است که اصولاً با توجه به اینکه تروریسم به مقوله‌ای جهانی بدل گشته آیا برخورد با آن عزمی جهانی نمی‌طلبد؟ به عبارت صحیح‌تر در شرایطی که برخی دولت‌ها با صرف بودجه‌های میلیاردی برای تحکیم پایه‌های قدرت غیر مشروع خود گروه‌های تروریستی را در سطح جهان تقویت و از آنان به عنوان حربه‌ای برای باج‌خواهی‌های خود در سطح جهانی استفاده می‌کنند، آیا نباید اجماعی بین کشورهایی که خواهان حفظ ثبات در جهان امروز هستند به وجود آید؟

در همین رابطه پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر شورای امنیت سازمان ملل طرحی را به تصویب رساند که طی آن از کشورهای مختلف جهان خواسته شده بود ضمن همکاری با مجامع بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم، گزارش فعالیت‌های خود را در این زمینه به اطلاع شورای امنیت برسانند. نکته قابل تأمل آنجاست که ۶۸ کشور تاکنون هیچ‌گونه گزارشی در این زمینه منتشر نکرده‌اند.

صرف‌نظر از دولت‌های حامی تروریسم، این امر نشان دهنده آن است که هنوز افکار عمومی بسیاری از کشورهای جهان از عمق خطری که از سوی تروریسم بین‌الملل جهان را تهدید می‌کند آگاه نیستند، در این بین باید به این نکته اشاره کرد که پیش از شکل‌گیری هرگونه اجماعی در میان کشورهای مختلف برای مبارزه با تروریسم، ابتدا ضروری است که این کشورها به تعریف مشخصی از پدیده تروریسم دست یابند.

نگارنده در این مقاله تلاش دارد ضمن ارائه تعاریف مختلفی که از سوی اندیشمندان سیاسی درباره مقوله تروریسم عرضه شده، سیر کوتاهی از تاریخچه اوج‌گیری این پدیده در ایران و جهان بیان داشته و سپس با نگاهی به پدیده ۱۱ سپتامبر تصویری از تروریسم دولتی در دنیای امروزی ارائه داده و نهایتاً راهکار مناسبی برای ائتلاف کشورها جهت مقابله با تروریسم ارائه نماید.

۱- تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلف

از تروریسم

واژه تروریسم در دوران جدید ریشه در تحولات اواخر قرن هجدهم میلادی دارد. معنی ابتدایی آن استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی است. نمونه تاریخی و بارزی که موجب متداول شدن این واژه و تبدیل آن به یک مفهوم سیاسی شد، حکومت انقلابی فرانسه بود که از حربه ترور برای غلبه بر مخالفان خود استفاده می‌کرد.

در این بین باید اشاره کرد که اقدامات تروریستی بسیار متنوعند اما غالباً در ۴ شکل بروز و ظهور پیدا می‌کنند ۱- کشتن یا به قتل رساندن ۲- بمب‌گذاری ۳- دستگیری افراد، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری ۴- هواپیما ربایی یکی از تعاریف معروف از تروریسم توسط

آلکس ب اشمید" عنوان شده است وی می‌گوید "تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره، رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ای، جناحی و یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود"

تعریف فوق ویژگی‌های متعددی را برای تروریسم برشمرده اما آنچه در این جا اهمیت بیشتری می‌یابد جنبه سلیقه‌ورزی آن است که تلویحاً عدم رعایت قوانین موجود دولت‌ها یا نقض قوانین بین‌المللی را به همراه دارد.

لازم به ذکر است که از سال‌های دهه ۱۹۷۰ واژه "تروریسم بین‌المللی" به تدریج مورد استفاده قرار گرفته و شامل اقدامات خشونت‌آمیزی شده که توسط گروه‌های سیاسی در خارج از مرزهای کشور متبوع آنان صورت می‌گیرد، واژه دیگری که همزمان رایج شده "تروریسم دولتی" است، و منظور از آن انجام اعمال تروریستی توسط یک دولت خاص می‌باشد. واژه "تروریسم بین‌المللی" کمتر به فضای دخالت‌های مستقیم دولت در انجام فعالیت‌های تروریستی به کار می‌رود زیرا غالباً تصور می‌شود عاملان غیردولتی دست به چنین اقداماتی می‌زنند به عنوان نمونه "توماس جی" مفهوم تروریسم بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند "کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی با هدف ارعاب، به وسیله عاملان غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد"

اما در این میان تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که چنین تعریفی از جامعیت لازم برخوردار نیست زیرا با بررسی عملیات مختلف تروریستی که حداقل طی ۳ دهه گذشته در سراسر جهان انجام گرفته این واقعیت آشکار شده که بسیاری از گروه‌های تروریستی به ظاهر مستقل، تحت حمایت برخی دولت‌ها قرار داشته‌اند.

به هر حال بر اساس این تعریف ۳ عنصر اساسی از مشخصات "تروریسم بین‌المللی" است که عبارتند از:

۱- تکرار: عنصر تکرار، تروریسم را از خشونت‌های غیرنظام‌مند و سازماندهی نشده و انفرادی جدا می‌سازد. تکرار نشان دهنده وجود الگوی خاصی از خشونت در اجرای عملیات تروریستی است.

۲- انگیزه: هدف اغلب جنبش‌های تروریستی بین‌المللی "سیاسی است. یعنی آنها خواستار تاثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها هستند در بسیاری از موارد انگیزه اصلی فاعلان توجه دادن قدرت‌های سیاسی و دولت‌ها به ناعدالتی‌های موجود است از این رو غالباً گروه‌های تروریستی مسوولیت اقدامات خود را بر عهده می‌گیرند

۳- قصد: قصد اصلی تروریست‌ها نفوذ در رفتار دیگران یا اعمال خشونت است. بنابراین از عواملی چون ایجاد هراس و اضطراب برای افزایش جنبه‌های تبلیغاتی استفاده می‌شود.

۲- تروریسم در بستر تاریخ

برای تروریسم به عنوان یک اقدام ضد دولتی می‌توان ۳ مرحله تاریخی در نظر گرفت:

۱- دوره باستانی که شکل غالب آن به قتل رساندن افراد برای دستیابی به اهداف سیاسی - مذهبی بوده است.

"زیلت‌ها" یا "غیوران" گروهی از افراطیون سیاسی - مذهبی یهودیان باستان که آشکارا فرمانروای روم را در فلسطین به بند کشیدند و فدائیان اسماعیلیه، دو نمونه تاریخی از این مقوله‌اند

۲- فاز دوم تروریسم به فعالیت گروه‌های سیاسی در قرن نوزدهم بازمی‌گردد. به عنوان نمونه اشاره کرد که سلطه دولت را نمی‌پذیرفتند قتل تزار آلکساندر دوم در ۱۸۸۱ و ارشیدوک فرانس فریدیناند ولیعهد امپراتری اتریش - مجارستان در سال ۱۹۱۴ و بمب‌گذاری توسط گروه‌های ایرلندی بارزترین اقدامات تروریستی آنان می‌باشد که حکایت از پیچیده‌تر شدن این اقدامات و پیدایش انگیزه‌های جدید غیر مذهبی دارد.

۳- مرحله سوم تروریسم با توجه به گسترش امکانات و ابزار ارتباطی و در کنار آن پدیدار شدن و رشد ایدئولوژی‌های مختلف صورت گرفت که شکل جدیدتری از منازعات را به همراه داشت. برخوردها و کشمکش‌های ناسیونالیستی در جهان از کنیا و الجزایر گرفته تا یمن جنوبی و قبرس که در بیشتر موارد به خاطر اهداف استقلال طلبانه علیه نهادها و مسئولین دولت‌های استعماری صورت می‌گرفته پیش زمینه شکل‌گیری اقدامات تروریستی در این

دوره بود. برخی از این اقدامات نتایجی را به دنبال داشت و باعث بیرون راندن استعمارگران شد اما در پاره‌های موارد جنبش‌های استقلال طلبانه به ثمر نرسید که این امر باعث پیدایش شبکه‌های سیاسی غیردولتی شدند که برای رسیدن به اهداف خود از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کردند. درگیری‌های گروه باسک با دولت اسپانیا نمونه‌ای از این قبیل برخوردهای تنش‌آمیز است. کشورهای آمریکای لاتین، آرژانتین، برزیل و اروگوئه نیز دستخوش تحولات اجتماعی گوناگونی بودند که غالباً زمینه‌ساز نزاع‌های فیزیکی بود. مرحله سوم تروریسم محدود به کشورهای در حال توسعه نبود بلکه بسیاری از شبکه‌های تروریستی در کشورهای توسعه یافته پدید آمدند ارتش سرخ در جمهوری فدرال آلمان، بریگاد سرخ در ایتالیا و هوانوردان در



ایالات متحده آمریکا نمونه‌هایی از این گروه‌های تروریستی هستند. در طول چند دهه اخیر اقدامات تروریستی با انگیزه‌های آرمانگرایانه (ایدئولوژیک) صورت گرفته است که دیوید سی رایاپورت آنها را گروه‌های ترور مقدس می‌نامد گروه‌هایی که با انگیزه‌های ایدئولوژیک دست به اقدامات تروریستی می‌زنند علی‌رغم تنوع، دارای ابعاد عملی مشابهی هستند. رادیکالیسم جدید یا چپ نو که محصول دهه ۱۹۶۰ و اعتراض علیه مصرف‌گرایی در جهان سرمایه‌داری بود را می‌توان آغازگر این گونه اعمال تروریستی دانست. نکته مهم در این میان آن بود که این رویکرد در میان کشورهای جهان سوم پیروان بسیاری پیدا کرد.

رادیکالیسم نو در جلوه جهان سومی خود نسبت به زیاده‌روری‌های اجتماعی ناشی از نوسازی و تجدد و تضعیف اندیشه‌های سنتی در جهان نو واکنش نشان داد با فراگیر شدن مقوله ارزش‌گرایی ایدئولوژیک، واکنش‌ها هم در دیدگاه‌های مختلف جهانی شد یکی از شعارهای جنبشی دانشجویی و روشنفکری ماه مه ۱۹۶۸ این بود که مبارزه با سیستم سرمایه‌داری در هر نقطه از جهان به مثابه مبارزه با آن در تمام نقاط جهان است و مبارزه‌ای حتی محلی و کوچک بخشی از مبارزه جهانی است.

در طول ۳ دهه اخیر، خصوصاً پس از فروپاشی شوروی نوع دیگری از تروریسم شکل گرفته که از سوی بنیادگرایان اسلامی هدایت می‌شود و همگان اوج آن را در ۱۱ سپتامبر به روشنی مشاهده کردند. کالبد شکافی اقدامات تروریستی گروه‌های

مذهبی در گذشته یاریگر فهم حرکت‌های تروریستی جدیدی است که با همان انگیزه‌ها صورت می‌گیرد اما مکانیسم‌های اجرایی آنها تغییر یافته است.

پیش از بررسی این پدیده باید به این موضوع مهم اشاره کرد که اساساً ادیان یکی از بسترهای

تبلور قابلیت‌های معنوی انسان هستند اما تاریخ نشان می‌دهد که فهم نادرست و جزمیت‌های غیرقابل گفت و گوی برخی دینداران هزینه‌های سنگینی را برای بشریت به همراه داشته است. در این جا لازم است دو دسته از فرقه‌هایی را که به دنبال پیاده کردن آرمان‌های خود با روش‌های تروریستی بوده‌اند و از دل ادیان بزرگ تاریخ سر بر آورده‌اند را بررسی کنیم

۱- تاگ‌ها

تاگ‌ها از اعضای جامعه مذهبی هندوها بودند که در حدود اوایل قرن دوازدهم تشکیل شدند. واژه "تاگ" از ریشه سانسکریت به معنی "پنهان کردن" است تاگ‌ها خود را جزو فرزندان و اعقاب رب النوع یا الهه مونث کالی می‌دانستند. کالی یکی دیگر از

الهگان توده مردم بود که چون نیروی مادری جهان ظاهر می‌شد. کالی را الهه تباهی و نابودی نیز گفته‌اند. در اسطوره‌های آیین هند و چنین آمده که سال‌ها پیش اهریمن غول پیکری وجود داشت که پس از خلق انسان‌ها آنها را می‌بلعید. کالی این اهریمن را با شمشیر خود می‌کشد اما با بر زمین چکیدن هر قطره از خون او، اهریمن دیگری سر بر می‌آورد. تاگ‌ها عقیده داشتند کالی خسته می‌شود و برای اینکه اهریمن را نابود سازد دو مرد خلق می‌کند، به دست هر کدام دستمال بلندی که از جامه خود کنده می‌دهد و به آنها می‌گوید که اهریمن را خفه کنند تا قطره خونی از او بر زمین نه چکد. تاگ‌ها به مسافران در راه‌ها حمله می‌کردند و پس از کشتن آنها را دفن کرده اموالشان را مصادره می‌کردند. هدف تاگ‌ها جمع‌آوری مقدار زیادی اموال مسروقه بود تا برای ساختن اماکن مقدس بین‌المللی برای عبادت و بست نشستن پول لازم فراهم شود. این مبلغ در اختیار حاکمان آنها قرار می‌گرفت. تاگ‌ها خون می‌ریختند چون معتقد بودند ایجاد تعادل در نقش کیهانی کالی به طور دائمی با خون تحقق می‌یابد از این رو انگیزه‌های آنها غالباً آرمانگرایانه بود تا سیاسی برای حفظ میراث کالی، هر تاگی خود را موظف می‌دید در سال حداقل ۳ نفر را بکشد. تاگ‌ها در اکثر موارد قربانیان خود را خفه می‌کردند. در مواقعی تاگ‌ها روابط بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با مقتولان آینده خویش برقرار می‌کردند تا بتوانند در یک فرصت مناسب آنها را خفه کنند تاگ‌ها نسبت به کشته‌شدگان نه احساس ترحم و دلسوزی می‌کردند و نه از عمل خود احساس ندامت و پشیمانی زیرا معتقد بودند که قربانی نیز از چنین مرگی بهره می‌برد. چرا که باعث می‌شود او به بهشت برود. آنان معتقد بودند پاداش هر تاگ فرمانبرداری در برابر دستورات کالی بهشت برین خواهد بود برای دستیابی به چنین آرمانی بود که تاگ‌ها هیچگاه تجاوز یا سوء رفتاری نسبت به قربانیان خود اعمال نمی‌کردند و عمل خود را مقدس می‌پنداشتند

۲- زیلت (سیکاری)

این گروه فرقه‌ای از یهودیان بودند که اعتقادات موعود باورانه داشتند و معتقد بودند هر کسی زندگی خود را در این نزاع از دست بدهد جاودانه خواهد شد.

سیکاری‌ها نیز برای از میان برداشتن مخالفان دست به خنجر می‌بردند و عملکرد خود را با استناد متون مقدس توجیه می‌کردند یهودیان بر این عقیده‌اند که منجی عالم از سرزمینی ظهور خواهد کرد که در آن مصایب و بلاهای طبیعی عظیم به وقوع پیوسته باشد این زمانی است که نیروهای شیطانی به بیشترین حد خود رسیده‌اند و ارتداد در همه جا به چشم می‌خورد. در این وضعیت همه کس شاهد هتک حرمت اسم اعظم و نقض فرامین اخلاقی و زایل شدن قوانین طبیعت خواهند بود.

زیلت‌ها یا غیوران و سیکاری‌ها مطمئن بودند که اگر مومنان در عمل خود مصمم باشند خلوتند در

بسیاری از گروه‌های تروریستی به ظاهر مستقل، از حمایت برخی دولت‌ها برخوردار بوده‌اند

تحقق خیر و تسریع روند نجات مداخله خواهد کرد. بنابراین در صورت لزوم نباید از ریختن خون مخالفان پا پس گذاشت. سازمان زیلت در قرن اول میلادی به فعالیت می‌پرداخت و پس از ۷۰ سال فعالیت آنان از بین رفت آنها در اماکن شریف و زمان‌های مقدس به صورت آشکار دست به قتل مخالفان خود می‌زدند و هدفشان از بین بردن و تضعیف حکومت مرکزی روم بود. آنها یهودیانی را که به رومی‌ها می‌پیوستند به قتل می‌رساندند. چرا که سرزمین‌هایشان که از تقدس خاصی برخوردار بود مورد تعرض رومیان قرار گرفته بود و دسته‌هایی از غیوران و خنجرکشان در اعتراض به سوء حکومت رومیان تشکیل شد افراد این دسته‌ها همه با جمعیت خیابان همراه شده و کسانی را که نشان کرده بودند از پشت سر می‌زدند پس از آن در میان شلوغی جمعیت ناپدید می‌شدند

تروریسم در ایران

در این جا لازم است که نگاهی نیز به تاریخچه اعمال تروریستی در ایران بیاندازیم. برای بررسی این موضوع باید تاریخ ایران را به دو قسمت تقسیم کنیم.

پیش از مشروطیت، اغلب ترورها در میان فرقه‌ها و گروه‌هایی صورت می‌گرفت که به لحاظ

ایدئولوژیک گرایش‌های مذهبی باطنی داشتند گروه‌هایی مثل "اسماعیلیه" و "حروفیه" هر چند شیعه بودند اما تشیع آنان آمیخته با ایدئولوژی صوفیانه و رویکردهای باطنی بود چون از نظر آنان امام یا رهبر فرقه به مثابه مظهر خداوند تلقی می‌شد فدائیان اسماعیلی فرقه‌ای بودند که رسالت خود را بازسازی و دگرگون سازی جهان اسلام برای آماده‌سازی مقدمات ظهور منجی موعود خود می‌دیدند. آرمان آنها مدینه فاضله‌ای بود که براساس آن ظلم و مظلوم توامان نابود شوند. فدائیان در ابتدا به دنبال تبلیغ ایده‌های خود و یافتن هواداران و پیروان جدید بودند، اما هنگامی که فشارها و محدودیت‌ها افزایش یافت

برای سازماندهی نیروهای خود ناچار به قلمه دور از دسترس و صعب‌العبور الموت پناه برده و دژهای مستحکمی ساختند. بسیاری

از ترورهای آنها جنبه‌های دفاعی داشت یعنی کسانی را می‌کشتند که برای میغان ایجاد مزاحمت کرده باشند. برخی دیگر از ترورهای آنان شامل چهره‌های برجسته‌ای چون حکام و درباریان بود.

قربانیان معمولاً در مکان‌های عمومی به قتل می‌رسیدند و برای کشتن آنها از خنجر استفاده می‌شد. فدائیان معتقد بودند هر کسی در راه هدف خود کشته شود. عملش نوعی جهاد تلقی شده و جایگاهش بهشت خواهد بود بنا بر برخی روایات فدائیان برای جذب پیروان خود از مواد مخدر یا حشیش استفاده می‌کردند از این طریق بهشتی مصنوعی برای پیروان خود می‌ساختند. گروهی از نزاریان یکی از شاخه‌های اسماعیلیه - که از شیوه قتل مخالفان استفاده می‌کردند هدفشان کسب قدرت به هر طریق ممکن بود. قتل بر کبارق و سلطان سنجر پسران ملک شاه، المستر بالله و الراشد از خلفای عباسی، نظام‌الملک و معین‌الدین از وزیران سلطان سنجر و تهدید فرخ‌رازی نمونه‌های بارز از ایجاد ترس و وحشت توسط فدائیان بود. اگر دو گرایش صوفیانه و فقیهانه شیعه را از هم تفکیک کنیم تا قبل از دوره معاصر ایدئولوژی فقیهانه یا قرائت فقیهانه، از تشیع نه تنها در عمل مروج ترور

نبوده بلکه به طور کلی فاقد پس زمینه‌های نظری لازم برای عمل سیاسی بود

دکتر هاشم آقاچری استاد دانشگاه در این رابطه می‌گوید: "در دوره حاکمیت مغول پس از قرن هشتم شاهد تولید ایدئولوژی و ظهور فرقه‌هایی آمیخته و مرکب هستیم و تلفیق تشیع و تصوف که در فرقه‌هایی چون صوفیه، حروفیه و نعمت‌اللهی ظاهر می‌شود. اساساً از این دوره است که تشیع امامیه وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی و نظامی می‌شود تا قبل از آن، تشیع امامی بر خلاف تشیع زیدی و اسماعیلی فاقد کنش‌های مشخص نظامی بوده است"

از زمان مشروطیت به بعد ترورهای که شاهد بودیم بیشتر با انگیزه‌های سیاسی صورت می‌گرفت تا مذهبی در واقع تفکری که ترورهای سیاسی را تغذیه می‌کرد متأثر از انقلاب فرانسه و سوسیال دموکراسی روسیه و قفقاز بود.

در آن دوران این دو جریان از هم تفکیک نشده بود. در واقع حیدر عمو اوغلی با جناح افراطی مشروطه خواه مانند سید حسن تقی‌زاده و کمیته مجازات میان انقلاب فرانسه به عنوان یک انقلاب بورژوا لیبرال با حرکت‌های سوسیال دموکراسی قفقاز تفاوت چندانی قائل نبودند این دو تفکر هم زمان وارد ایران شده و نخستین ترورهای مدرن نیز در تاریخ معاصر ایران از زمان آغاز مشروطیت شکل گرفت. مانند ترور میرزا علی اصغرخان اتابک، ترور ناکام محمد علی شاه از طریق بمب‌اندازی به کالسکه او، ترور بهبهانی و نیز تصفیه‌های داخلی که بین اعتدالیون و دموکرات‌ها در جریان مجلس دوم صورت گرفت. پس از ترورهای دوران مشروطیت که عموماً کار جناح افراطی مشروطه‌خواه بود و قصد داشتند از ابزار ترور برای تسریع تحولات سیاسی استفاده کنند، وضعیت سیاسی تغییر کرد از زمان رضاشاه به بعد فضای سیاسی دچار انسداد شدیدی شد و نوع دیگری از ترور به نام ترور دولتی شکل گرفت.

عبدالمعلی رضایی جامعه‌شناس در این باره می‌گوید: "تولت پهلوی (به خصوص پهلوی اول) در ایران مانند دولت آتاتورک در ترکیه و دولت بیسمارک در آلمان، دولتی توسعه‌گرا و دارای

ایدئولوژی توسعه بود. موضوع در زمان رضاشاه آن بود که انقلابی صنعتی در انگلستان به وقوع پیوسته بود و نیروی بخار نیروی دست انسان را چند برابر کرده بود و تولید صنعتی، نظامی و کشاورزی به شدت افزایش پیدا کرده بود

به همین علت توسعه دیگر تنها یک مفهوم اقتصادی نبود بلکه یک ضرورت امنیتی بود بحث این بود که باید پیشرفت می کردیم و در غیر این صورت نظام های توسعه یافته تر به عنوان قدرت برتر بر ما تسلط پیدا می کردند و منابع و کشور ما را می گرفتند اساساً ایدئولوژی توسعه، خشونت را در بطن خود دارد. وقتی ما تنها یک نسخه و یک درمان داریم و در عین حال برخی واقعیت های موجود اجتماعی (شیوه زندگی مردم، ساختارهای عرفی، نوع معیشت) هم مانع توسعه قلمداد می شوند و تحت عنوان خرافه، یا شیوه های زندگی غیرمتناسب با الگوی آرمانی صاحبان قدرت سیاسی بر سر راه قرار می گیرد، باید این وضعیت را با استفاده از زور و یا کاربرد قدرت تغییر دهیم و باید پذیرفت دولت توسعه گرا لزوماً دولتی دموکراتیک نیست

به همین دلیل در دوران رضاشاه شاهد آن بودیم که باندها و گروه های موجود در حاشیه دولت به ترور افرادی نظیر میرزاده عشقی شاعر آزادیخواه و روزنامه نگار، آیت الله سیدحسن مدرس، فرخی یزدی شاعر و روزنامه نگار آزادیخواه دکتر تقی ارانی استاد دانشگاه و از رهبران گروه موسوم به ۵۳ نفر و ... دست زدند.

پس از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ جنگ چریکی در ایران آغاز شد. سازمان چریک های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق به طور مشخص تحت تأثیر مشی چریکی و مسلحانه ایدئولوژی چپ مارکسیستی و شخصیت هایی نظیر چه گوارا، مانو و ... بودند. این گروه ها در طول سال های فعالیت خود تعدادی از افسران ارتشی از جمله سپهبد فرسیو دادستان ارتش و همچنین برخی از مستشاران آمریکایی نظیر رابرت گرون گارو، ویلیکام کانزل و دونالد اسمیت را ترور کردند.

جالب آن است که ترورهای پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نیز از سوی آنان انجام گرفت از جمله می توان به ترور آیت الله مرتضی مطهری مدرس

حوزه و دانشگاه و عضو شورای انقلاب حاج عراقی عضو مؤتلفه اسلامی و سرپرست موسسه کیهان و آیت الله محمدحسین بهشتی رئیس شورای عالی قضایی و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی ... اشاره کرد

پروژه هویت سازی و گسترش تروریسم

پروژه هایی که از طرف گروه های مختلف برای ایجاد و خلق نوع خاص از هویت در جامعه ارائه می شود، پروژه هویت سازی نام دارد. دکتر کاووس سید امامی جامعه شناس در این باره تصریح می کند کسانی استعداد ابزار شدن برای اجرای اعمال خشونت آمیز را دارند که یا در زندگی خود شدیداً دچار ناکامی هستند یا اینکه تحت تاثیر سیاست ها و تبلیغات پروژه هویت سازی، مرزبندی قاطعی بین خود و دیگران ایجاد کرده اند به عنوان مثال در جنگ های صدساله معروف

اروپا، پروتستان ها برای خود هویتی جدید ساخته بودند و در مقابل کاتولیک ها به دفاع از هویت ضد پروتستانی خود می پرداختند. بنابراین، کشتن یکدیگر را کاملاً مجاب می دانستند و این امر در راستای پروژه هویت سازی انجام می شد

نمونه دیگر در این رابطه اقدامات بنیادگراهای هندو بود که نوعی پروژه هویت سازی را دنبال می کردند. آنان با حمله به مسجد باری و قتل و غارت، قصد داشتند احساسات مسلمانان را جریحه دار کنند. زیرا عمل متقابل از سوی مسلمانان به قطب بندی جامعه می انجامید در این قطب بندی همواره کسانی که طالب ایجاد یک هویت متمایز هستند موفق می شوند احساسات را بر عقل جمعی که می تواند باز دارنده باشد حاکم کنند

شاید در این جا لازم باشد برای هر چه روشن تر شدن موضوع به بخش هایی از مصاحبه اسامه بن لادن رهبر گروه تروریستی القاعده که در سال ۱۹۹۸ میلادی از شبکه تلویزیونی الجزیره پخش شد، اشاره شود.

وی در پاسخ به پرسشی در زمینه انفجارهای سفارت خانه های آمریکا در شرق آفریقا (تایروبی و

دارالسلام) می گوید این اقدامات به فضل و رحمت خداوند متعال باعث ایجاد سرور و خوشحالی در دل های مسلمین جهان شد. افرادی که پیگیر نشریات و رسانه های بین المللی هستند می دانند که این عمل چقدر باعث خوشحالی مسلمین شده وقتی که می بینند یک مسلمان به آمریکایی ها حمله می کند این درگیری های شامل دو طرف است که با هم در نبرد می باشند در یک طرف صلیبیون بین المللی و همپیمانان یهودی و صهیونیست آنها به رهبری آمریکا، بریتانیا و اسرائیل قرار دارند و در طرف دیگر جهان اسلامی و مسلمین

وی در بخش دیگری از این مصاحبه خاطر نشان می کند: از مسلمانان تقاضا داریم که اموال

حکومت انقلابی فرانسه از حربه ترور برای مقابله با مخالفین بهره می گرفت

خود را در راه سازمان ها و نهضت های جهادی صرف کنند چرا که این سازمان ها برای جنگ علیه یهود و صلیبیون شکل گرفته اند و من معتقدم که جهاد برای امت مسلمان یک واجب عینی است در هر کشوری که افراد و امکانات کافی برای انجام این کار فراهم باشد واجب است که مسلمانان آن کشور علیه کفر اکبر قیام کنند. در جای جای این مصاحبه بر پروژه هویت سیاسی تاکید شده است از سوی دیگر همانطور که قبلاً نیز اشاره شد احساس ناکامی تاثیر فراوانی بر هدایت مردم و خصوصاً جوانان به پروژه های هویت ساز دارد.

در این مورد می توان نمونه های فراوان تاریخی را مثال زد به عنوان نمونه با بررسی روان شناختی پیراهن قهرهای های آلمان دوران نازی ها، این نتیجه به دست می آید که این افراد از بین اقشار و گروه هایی انتخاب شده بودند که احساس ناکامی می کردند و به هیچ وجه از افراد طبقات مرفه جامعه نبودند و بیشتر افراد طبقه متوسط و متوسط به پایین بودند که همیشه میل داشتند مانند جوان های طبقات بالا زندگی کنند اما امکانات لازم را نداشتند بنابراین نسبت به آنان احساس حسادت و ناکامی می کردند.

بر همین اساس زمینه بسیار مستعدی برای جذب در گروه جوانان فاشیست داشتند. این افراد کسانی هستند که در زبان عامیانه افراد عقده‌ای خوانده می‌شوند. به همین دلیل نیروهای خشونت طلب سیاهی لشکر خود را از میان جوانان ناکام انتخاب می‌کنند

عمده‌ترین منابع مالی گروه‌های

تروریستی:

در این بخش قصد نگارنده بررسی پشتوانه اقتصادی تروریسم بین‌المللی است. از زمانی که تروریسم در اواخر قرن نوزدهم به عنوان گونه‌ای از مبارزه مسلحانه مدرن ظهور خود را تثبیت کرد تا به امروز، به طور مرتب بر منابع و مقدار درآمدهای خود افزوده است.

گروه تروریستی Narodnaya-Volga

که در اواخر قرن نوزدهم در روسیه ظهور کرد، درآمدی بیش از چند صد دلار در سال نداشت.

در سال‌های ۱۹۷۰ میلادی درآمد تروریست‌ها به شدت افزایش پیدا کرد، به طوری که طی این سال‌ها مبلغی در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار در اختیار جبهه خلق برای آزادی فلسطین قرار داشت.

۸۶ کشور جهان گزارشی درباره تروریسم ارائه نکرده‌اند

در حال حاضر نیز بنا بر اخباری که از سوی منابع گوناگون منتشر شده درآمد تحت اختیار سازمان القاعده به رقمی در حدود ۴۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شود.

مهمترین منابع درآمد تروریست‌ها برای انجام عملیات گسترده و پردامنه را می‌توان به ترتیب برشمرد

۱- دولت‌های حامی تروریسم

در دوران جنگ سرد و به ویژه در سال‌های ۱۹۷۰، لیبی، سوریه و عراق از حامیان اصلی تروریسم بودند پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در بهمن ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران نیز به ارتباط با گروه‌های تروریستی متهم شد. چندی بعد حسن

ترابی رهبر مذهبی و سیاسی سودان نیز کشور خود را به تدریج به مرکز اصلی گروه‌های مسلح بنیادگرا و محل ملاقات آن گروه‌ها تبدیل کرد حتی عربستان سعودی نیز تا قبل از سال ۱۹۹۱، به طور مستقیم به بسیاری از جنبش‌های بنیادگرا کمک مالی می‌کرد این کشور پس از جنگ خلیج فارس و آزادسازی کویت، زیر فشار آمریکا، به شکل قابل ملاحظه‌ای



از کمک‌های خود به

سازمان‌های GIA و FIS

در الجزایر کاست، اما مدت‌ها

کماکان به پشتیبانی خود از

سازمان‌های جهادی

افغانستان ادامه می‌داد، حتی ایالات متحده نیز در پشتیبانی از بنیادگرایان افغانستان به منظور مقابله با شوروی مشارکت داشت.

گروه کوچکی که در سال ۱۹۹۵ به نام طالبان

در افغانستان تشکیل شد، در حقیقت از حمایت‌های مالی و تسلیحاتی سازمان مخفی و اطلاعاتی پاکستان و کمک‌های CIA آمریکا به شکل گسترده‌ای برخوردار بود.

اما گذشته از عملیات تروریستی که توسط محافل مجاز و غیرمجاز و به صورت آشکار و پنهان در چارچوب امکانات حکومتی صورت می‌گیرد، در بعضی موارد حکومت‌ها به طور مستقیم به حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی در خارج مرزهای

خود دست می‌زنند

۲- کمک‌های مستقیم شخصی

در بسیاری از موارد، افراد علاقمند و یا در مواردی افرادی از میان تروریست‌ها بخشی از ثروت خود را در اختیار سازمان‌ها و رهبران تروریستی قرار می‌دهند.

به عنوان نمونه اسامه بن لادن که متهم اصلی رویداد ۱۱ سپتامبر در نیویورک و واشنگتن است به شکل وسیعی از ثروت هنگفت خود برای آرمان‌هایش بهره می‌برد. این ثروت عمدتاً ناشی از ارثی بوده که از پدر به او رسیده است گذشته از سرمایه‌گذاری مستقیم بن لادن در راه آرمان خود، باید به کمک بسیاری از صاحبان صنایع و ثروتمندان مستعد به آرمان‌های بن لادن نیز اشاره کرد

بسیاری از مطبوعات عقیده دارند که برخی از ثروتمندان مسلمان غرب، به طور مستقیم و مستمر به گروه‌های افراطی کمک مالی می‌کنند به طور مثال می‌توان به شرکت SICO از گروه ROUP Saudi Binladen G اشاره کرد که توسط یکی از برادران بن لادن اداره می‌شود. یکی از شرکای SICO که مقر آن در ژنو است، موسسه‌ای به نام Nallal - islam است که به وسیله یکی از پسرعموهای ملک فهد اداره می‌شود و سالانه چندین میلیون دلار به جنبش‌های بنیادگرا کمک می‌کند.

علیرغم وجود چنین پشتیبانی‌هایی، باید دانست که اگر بعضی از ثروتمندان از روی ایمان و عقیده به گروه‌های اسلامی افراطی کمک می‌رسانند، بسیاری دیگر از ترس آدم‌ربایی و حمله به تاسیسات خود ناگزیر به پرداخت چنین باج‌هایی هستند.

کمک‌های خیریه

برای انجام فریضه ذکات، بسیاری از مسلمانان و حتی خانواده‌های ثروتمندان، به موسسات خیریه اسلامی، پول واریز می‌کنند برخی از این موسسات به طور پیمانی با گروه‌های افراطی و بنیادگرا در ارتباط ارگانیک می‌باشند در این مورد به عنوان مثال می‌توان به خانواده میلیادر "ابن محفوظ" از عربستان اشاره کرد

این خانواده متهم است که از طریق بانک سودان - سعودی Saudi - Sudanese به بسیاری از موسسات بنیادگرایی افراطی و به ویژه موسسه خیریه Islamic organization International به مدیریت یکی از بستگان اسامه بن لادن، کمک رسانیده است. خود دولت سعودی، همه ساله از طریق وزارت امور دینی، رقمی، در حدود ۱۰ میلیارد دلار به سازمان‌های اسلامی کمک می‌کنند. گذشته از ذکات، در بسیاری از موارد طی برخی از مراسم دعا و نیایش در کشورهای عرب و به ویژه عربستان سعودی، امام جماعت از مردم برای مصارف عالیّه تقاضای کمک مالی می‌کند. در بعضی از موارد، دست کم بخشی از وجود جمع‌آوری شده، در اختیار افراطیون قرار می‌گیرد.

در پاکستان مدارس و موسسات خصوصی نزدیک به فعالان بنیادگرا، سالانه میلیون‌ها دلار از طریق حواله و اینترنت، از عربستان سعودی و امارات متحده عربی کمک مالی دریافت می‌کنند حتی بنا بر اطلاعات برخی منابع، در خود ایالات متحده، سالانه در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار از طریق موسسات خیریه برای سازمان‌ها و جنبش‌های فعال اسلامی پول جمع‌آوری می‌شود در همین رابطه در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۱ دو هفته پس از حمله تروریستی به نیویورک و واشنگتن، جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا دستور توقیف داراییهای ۳ سازمان خیریه مقیم آمریکا را صادر کرد.

قاچاق

قاچاق مواد مخدر یکی از منابع درآمد تروریسم است. افغانستان که در دهه ۱۹۹۰ میلادی از مهمترین پایگاه‌های بنیادگرایی بود، با تولیدی در حدود ۴۰۰۰ تن تریاک در سال، رکورددار تولید تریاک در جهان بشمار می‌رفت. در سال‌های آخر حکومت طالبان، کشت تریاک به ۴۶۰۰ تن در سال ۱۹۹۹ بالغ شد.

براساس گزارش‌های منتشر شده تا حدود ۵۰ درصد درآمد حکومت طالبان در این سال‌ها، از تجارت تریاک تأمین می‌شد و همچنین سازمان القاعده از صادرات هروئین نیازهایش را تأمین می‌کرد به

طوری که گویا تا پیش از حمله آمریکا به افغانستان در سپتامبر ۲۰۰۱، ارزش هروئین انبار شده توسط این سازمان در حدود ۲ میلیارد دلار برآورده شده بود. لازم به یادآوری است که بنا بر آمار منتشر شده قاچاق مواد مخدر که گویا سالانه حدود ۲۵۰۰ میلیارد فرانک فرانسه یعنی رقمی معادل ۸ درصد کل تجارت جهانی را بالغ می‌شود.

در انحصار این گروه‌ها است سازمان‌های تروریستی دیگر نیز که حتی متاثر از ایدئولوژی‌های دیگر هستند نیز به طور مستمر برای برآورد نیازهای مالی خود به قاچاق مواد مخدر متوسل می‌شوند به عنوان مثال می‌توان به نیروهای مسلح انقلابی کشور کلمبیا، گروه راه درخشان و در بولیوی و... اشاره کرد.

از سوی دیگر گروه‌های تروریستی از راهکارهای دیگری نظیر سرمایه‌گذاری‌های تولید و بورس بازی نیز ارتزاق می‌کنند.

راهکارهای مقابله با تروریسم بین الملل: فاجعه ۱۱ سپتامبر و کشته شدن بیش از ۶ هزار انسان بی‌گناه، انفجار مهیب قطار در اسپانیا و به خاک و خون غلطیدن صدها نفر، تصاویر مشمشر کننده از گردن زدن اتباع آمریکا، کره جنوبی و... به سبک قرون وسطی در عراق و عربستان و... به جملگی حاکی از آن است که تروریست‌ها این بار نه با ایدئولوژی‌های الحادی بلکه با سپر قرار دادن مقدسات مذهبی در پی جهانی سازی وحشت هستند.

تروریست‌ها امروز مدرن‌ترین وسایل را برای نابودی تمدن بشری به کار گرفته و به جهانیان نشان داده‌اند که جان انسان‌ها برای آنان پیشیزی ارزش ندارد. به عنوان نمونه می‌توان به طرح القاعده برای مسموم کردن منابع آبی اردن اشاره کرد که اگر مقامات اردن اندکی تعال کرده بودند و این نقشه شوم به اجراء در می‌آمد.

هزاران هزار انسان با مرگی فجیع مواجه می‌شدند

تروریسم در جهان امروز به بزرگترین بالای جهانی تبدیل شده و هیچ کس نمی‌تواند خود را از آن مصون بداند.

در این میان پرسشی که این روزها به شدت

ذهن همگان را به خود مشغول داشته همان جمله معروف "چه باید کرد؟" است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر جامعه جهانی باید دو راهکار بسیار مهم را برای مبارزه با این پدیده شوم در پیش بگیرد.

۱- روشنگری در برابر تاریک اندیشان:

به باور بسیاری از اندیشمندان این روزها روزهای سکوت نیست بلکه روزهای فریاد است. روزنامه‌نگاران، پزشکان، ادیبان، حقوقدانان و... و به طور کلی تمامی روشنفکران نقش اساسی و بس مهمی بر عهده دارند.

به دلیل آنکه امروزه این گروه‌ها از جمله مراجع مهم اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌توانند نقش بزرگی در راستای آگاهی دادن به جامعه بشری ایفا کنند.

آنان باید این پیام را به جامعه منتقل کنند که آرمان‌های اصیل و خیرخواهانه در صورتی قابل تبلیغ، پیروی و تجویز هستند که روش‌های رسیدن به آنها، حد قابل قبولی از عدالت و مسالمت را به همراه داشته باشد و این با امتناع و جلب توافق ممکن است نه با پافشاری بر ارزش‌های غیرمنطقی و منسوخ و استفاده از روش‌های غلط به امید رسیدن به آرمان‌های نیک نمی‌تواند توجیه گر اقدامات تروریستی باشد و ملاک غلط یا صحیح بودن نیز توافق جمعی است نه برداشت‌هایی از سر خودخواهی و تحمیل عقاید.

اگر منطق حاکم این باشد که برای تحقق خواسته‌های ما تمام ناخواستنی‌ها باید از میان برود؛ اگر باورهایمان، اراده‌مان و خواستی‌هایمان را کاملاً مطابق یا در جهت حق بدانیم و مجموعه موانع و ناخواستنی‌ها را باطل تلقی کنیم نگاه ناچار به سوی نقطه‌ای خاص سوق پیدا می‌کنیم. نتیجه منطقی این است که اگر بودن من موجب برتری خیر است و این اصل در مورد دشمنان من صادق نیست یعنی دیگری مانع تحقق خیر است پس ضرورتاً برای رسیدن به خیر بیشتر او نباید باشد در تعریف تروریسم دیدیم که تکرار، عامل تمایز بخش خشونت‌های فردی و نظام نایافته از تروریسم است. تکرار در روش سبب ایجاد نوعی هویت می‌شود. در این حالت نفس هویت پرستی آکنده از خشونت است

زیرا هویت همچون پوسته‌ای ارگانیک و طبیعی از طرف صاحبان قدرت معرفی می‌شود و گویی هیچ نفوذ و قدرتی نمی‌تواند آن را دگرگون سازد وقتی هویت‌ها به جنگ هم می‌خیزند چون هیچیک نمی‌توانند دیگری را بشکنند یا با آن یکی شوند، یا آن را در خود هضم کنند تصمیم می‌گیرند، دارنده پوسته‌های دیگر را نابود کنند اما هیچگاه از اسارت خود در پوسته‌های دیگر پرسش نمی‌کنند به همین دلیل است که یک تروریست نگران اندیشه نیست، نگران کنش است، نگران تفکر نیست نگران واکنش است، نگران طرح صحیح سوال نیست نگران پاسخی دندان‌شکن است. نگران استدلال نیست، نگران استحکام است نگران هدف نیست نگران وسیله است. نگران دلدادگی نیست نگران شوریدگی هاست و بالاخره نگران خود نیست، نگران دیگری است.

دکتر جی بی مدیسون استاد فلسفه در کانادا طی سخنرانی در جمع "جماعت مسلمانان احمدیه" در پاکستان تصریح می‌کنند "در عصر جهانی شدن، معتقدان دینی باید با یکدیگر سازش کرده و دست از امپریالیسم دینی بردارند. این امر مستلزم تحولی بنیادین در حوزه خودآگاهی مسلمانان، مسیحیان و دیگران می‌شود.

آنها باید درک خود را از هویت تغییر دهند، به گونه‌ای که هر فردی خود را در ارتباط با دیگری بنگرد چنین کاری نیاز به جهاد و مبارزه‌ای معنوی دارد، زیرا انسان‌ها گزایشی دیرینه دارند به این که شیوه زندگی فرهنگی خویش را عین تمدن بدانند و فرهنگ‌های دیگر را تماماً وحشی یا کافر بخوانند" در حقیقت باید گفت که در هیچ مذهبی زندگی انکار نمی‌شود و هر کجا که زندگی رونق داشته باشد، تنوع و تفاوت نیز وجود دارد.

چنانچه "پیر کاروان" فیلسوف برجسته فرانسوی و شاگرد مونتسکیو می‌گوید: "تنوع پیش از هر چیز دیگری در حال تبدیل شدن به روح و ماهیت انسان است."

۲- ائتلاف جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم
واقمیت آن است که امروزه موج تروریسم به قدری گسترده شده که دیگر نمی‌توان برای نابودی

آن تنها به موعظه و نصایح اخلاقی و استدلال‌های حقوقی نظیر استدلال‌های خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل اکتفا کرد. بلکه باید اقدامات عملی از سوی جامعه جهانی در این راستا صورت بگیرد. ولتر خطیب نامور عصر روشنگری تأکید می‌کند: "جزم گرایی یک بیماری مسری است. در چنین مواردی دین به جای آن که غذایی مفید باشد به سمی تبدیل می‌شود در مغزهای آلوده او سپس می‌پرسید: "آکتون شما چگونه می‌توانید با کسی که یقین دارد با بریدن گلولی شما به بهشت می‌رود صحبت کنید؟" یکی از موانعی که هم‌اکنون در مقابل ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم وجود دارد این است که جامعه جهانی هنوز به بینش و تعریف مشترکی از پدیده‌های تروریستی نرسیده است و باید با برگزاری کنفرانس‌ها و هم‌اندیشی‌ها در سطح بین‌المللی به تعریفی جامع و مانع در این رابطه دست یابد.

جامعه جهانی پس از ائتلاف کامل در برابر

تروریسم می‌تواند دو واکنش، کوتاه مدت و دراز مدت را از خود نشان دهد. واکنش دراز مدت باید در راستای جذب هر بیشتر کشورهای مختلف در این ائتلاف جهانی باشد تا حمایت سیاسی از تروریست‌ها تضعیف شود، طراحی واکنش دراز مدت در خلال چند سال آینده از جنبه‌هایی آسان است در این واکنش باید بر ایجاد ائتلافی جهانی از کشورهایایی که منافع مشترکی در کاهش آسیب‌پذیری در برابر عملیات تروریستی دارند، تأکید شود همکاری اطلاعاتی، عملیات بسیار هماهنگ شده نیروهای پلیسی، نقل و انتقالات

شفاف سالی و... از مواردی است که کشورها می‌توانند برای مقابله با تروریسم بر سر آن توافق کنند.

واکنش کوتاه مدت نیز می‌تواند با هماهنگی شورای امنیت سازمان ملل متحد، حمله به پایگاه‌ها و مراکز تروریست‌ها در سراسر جهان باشد.

منابع و مأخذ:

- ۱- ک.م.سن، هندوتیسم، ترجمه ع.پاشایی، انتشارات فکر روز، تهران ۱۳۷۵
- ۲- ن. ک و رونیکا ابوس، اساطیر هند ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول ۱۳۷۳
- ۳- مارشال.گ.ج. جشن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه بدرودی، تهران چاپ سوم ۱۳۶۹
- ۴- مسعود سفیری، کالبد شکافی خشونت، تهران نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۵- جمشید بزرگر، شبکه مالی و اقتصادی گروه‌های مسلح بنیادگرای اسلامی، آفتاب، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۸۰
- ۶- فرخ ارفند، همه چیز جهانی است حتی ترور، آبان، دوره جدید سال اول، شماره ۷، بهمن ۱۳۸۰
- ۷- جی.بی.مدیسون، تروریسم و تبردهای مقدس، آبان، شماره ۱۳۲، خرداد ۱۳۸۱

شرکت تولیدی و مهندسی



دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

دارای تاییدیه نقشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV اتریش *

تولید کننده :

دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی اریاتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جاکشونده آب از بخار
منبع کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبع گنداس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۲، صندوق پستی: ۵۳۲۱-۱۵۸۷۵
تلفن: ۷۶۰۵۸۹۳-۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۶۰۴۵۳۱